

درس خارج اصول استاد مهدی گنجی

۹۸/۰۳/۱۹

بسم الله الرحمن الرحيم

« فهرست دروس

حوزه علمیه قم

مسجد اعظم

قم

مدرسه فیضیه

مدرسه خان

مدرسه آیت الله گلپایگانی

سایر مدارس

فقه معاصر

تفسیر و نهج البلاغه

رجال

دروس به زبان عربی

مباحث مستحدثه حکومتی

سرفصل های 1401 - 1400

پرونده علمی

فهرست مسائل

موضوع درس اساتید

حوزه علمیه نجف

نجف

حرم امیرالمؤمنین (ع)

مساجد

حوزه علمیه مشهد

مدرسه آیت الله خویی

سایر مدارس مشهد

تفسیر و نهج البلاغه

سایر حوزه ها

شهرستانها

کربلا

بیروت

دمشق

داکار (آفریقا-سنگال)

قطیف و احساء

کابل

سایر موضوع ها

کلام و فلسفه

طب در روایات

بزرگان معاصر

تقریر عربی درس ها

راهنما

تقریر نویسی

مشکلات

ثبت نام پخش زنده

ثبت نام

ویرایش اطلاعات

نرم افزار پخش زنده-رایانه

نرم افزار پخش زنده-اندروید

سایت های مرتبط

کتابخانه مدرسه فقهات

ویکی فقه

ویکی پرسش

محتویات

۱۱ اجزاء

۱.۱ مجزی بودن امر ظاهری از واقعی

۱.۱.۱ قول به اجزاء در اصول عملیه منقح شرطیت و جزئیت

۱.۱.۱.۱ اشکال نقضی به کلام مرحوم آخوند

۱.۱.۱.۱.۱ جواب اول از اشکال نقضی: انحصار حکم به

طهارت در ظرف جهل

۱.۱.۱.۱.۱.۱ عدم انحصار حکم به طهارت در ظرف

جهل در کلام مرحوم آخوند

۱.۱.۱.۱.۲ جواب دوم از اشکال نقضی: عدم اخذ شرطیت

طهارت در باب ملاقی

۱.۱.۱.۱.۲.۱ عدم کلیت جواب دوم

۱.۱.۱.۱.۳ اقرار نگرفتن ضد اصل عملی در موضوع ادله

اولیه

۱.۱.۱.۱.۳.۱ خلاف ارتکاز بودن مانعیت داشتن نجاست

در غیر ملاقی

۱.۱.۱.۱.۳.۲ تالی فاسد داشتن کلام مرحوم آخوند در

صورت مانعیت داشتن نجاست

۱.۱.۱.۱.۳.۳ عدم وجود دو حکم مناقض در ادله اولیه

موضوع: بررسی کلام مرحوم آخوند / مجزی بودن امر ظاهری از واقعی / اجزاء

خلاصه مباحث گذشته:

بحث در مورد مجزی بودن امر ظاهری از امر واقعی بود. مرحوم آخوند تفصیل داده بود. ایشان فرموده بود نسبت به امارات اگر کشف خلاف شود، مجزی نیست اما اگر نسبت به قاعده حل و طهارت و استصحاب این دو کشف خلاف شود، مجزی است. مرحوم نائینی اشکالاتی بر ایشان مطرح کرده بود. اشکال اول ایشان نقضی بود. یعنی ادعای مرحوم آخوند را نمی توان در فقه پذیرفت.

۱۱ اجزاء

۱.۱ مجزی بودن امر ظاهری از واقعی

۱.۱.۱ قول به اجزاء در اصول عملیه منقح شرطیت و جزئیت

مرحوم آخوند در اصول عملیه منقح شرطیت یا جزئیت قائل به اجزاء شد. ادله اصول عملیه کذایی بر ادله اولیه شرطیت و جزئیت حاکم هستند و نتیجه حکومت این است که شرطیت و جزئیت واقعا توسعه پیدا می کنند. بنا بر این عمل صحیح است و فاقد شرطیت و جزئیت نیست. مثلا اگر دلیل اولی گفت با لباس طاهر نماز بخوان و دلیل اصل عملی گفت وقتی شک در نجاست و طهارت کردی بگو طاهر است. اصل عملی حاکم بر دلیل اولی است و نتیجه این حکومت این است که شرطی که در دلیل اولی اخذ شده بود، اعم از واقعی و ظاهری است و کشف خلاف معنا ندارد. زیرا عمل دارای شرط بوده است واقعا. هر چند که طهارت ظاهری است ولی واقعا واجد شرط بوده است. همان گونه که اگر دلیل اولی خودش متکفل این مفاد بود که شرطیت اعم از واقعی و ظاهری است مجزی بود در محل کلام نیز این گونه است.

۱.۱.۱.۱ اشکال نقضی به کلام مرحوم آخوند

مرحوم نائینی می فرماید [۱]: ادعای مرحوم آخوند مورد نقض دارد و قابل التزام در فقه نیست. اگر بنا باشد که ادله اصول عملیه توسعه دهنده باشند لازمه آن این است:

اولا: در جایی که شیء با چیزی که مشکوک الطهاره بوده است ملاقات کند و بعد معلوم شد که نجس بوده است باید ملاقات کننده پاک باشد زیرا حین تلاقی قاعده طهارت جاری شده بود و دارای طهارت بود و طهارت ظاهری نیز برای پاک بودن واقعا کافی است در حالی که این گونه نیست.

ثانیا: اگر آبی باشد که شک در نجاست و طهارت آن شود و قاعده طهارت جاری شد و حکم به طهارت شد و با آن وضو گرفته شد و یا غسل کرد. ولی بعدا کشف خلاف شد باید وضو و یا غسل صحیح باشد چون قاعده طهارت گفت شرط طهارت آب اعم از واقعی و ظاهری است و با آن می توان نماز خواند(هر چند که دیگر نمی توان با آن آب وضو جدید یا غسل جدیدی کرد) در حالی که این حکم پذیرفتنی نیست.

ثالثا: یا با همین آب لباس نجسی تطهیر کرد و بعد معلوم شد که آب نجس بوده است باید این لباس پاک باشد چون واجد شرط بوده است واقعا. در حالی که این گونه نیست.

رابعا: اگر کسی با استصحاب ملکیت چیزی را خرید و بعد معلوم شد که بایع ملکیت نداشته است، باید بیع صحیح باشد چون استصحاب شرط بیع را توسعه داد و در زمان بیع دارای شرط بوده است، در حالی که حکم به صحت درست نیست.

۱.۱.۱.۱.۱ جواب اول از اشکال نقضی: انحصار حکم به طهارت در ظرف

جهل

مرحوم بروجرودی [۲] از نقض ملاقی جواب داده است. ایشان فرموده است حکم به طهارت ملاقات کننده مادامی است. ملاقی طاهر است تا زمانی است که شک وجود دارد. یعنی ملاقی و ملاقی مادامی طاهر هستند که شک وجود داشته باشد. اما وقتی که علم به نجاست پیدا شد دیگر حکم به طهارت ملاقات کننده نمی شود.

۱.۱.۱.۱.۱ عدم انحصار حکم به طهارت در ظرف جهل در کلام مرحوم

آخوند

اما به نظر می آید که این مطلب با روح کلام مرحوم آخوند سازگاری ندارد. زیرا مرحوم آخوند می خواهد بگوید که شرط واقعی توسعه پیدا کرده است و با ما دام سازگاری ندارد. یعنی وقتی که دلیل اولی گفت اگر چیزی با شی پاک ملاقات کرد پاک است در جایی که مشکوک الطهاره است اصل عملی گفت شرطیت را توسعه داد. اساس کلام مرحوم آخوند این است که مادامی نیست. یعنی واقعا طاهر بوده است و طهارت واقعی که مادام بردار نیست. بلکه حکم ظاهری مادام بر دار هست اما در این جا حکم ظاهری نیست بلکه واقعی است و واقعا واجد طهارت بوده است و توسعه در تشریع پاک بودن است این مطلب دیگر

مادام بردار نیست. لذا بهتر است که گفته شود جواب مرحوم بروجردی را نفهمیدیم.

۱.۱.۱.۲ جواب دوم از اشکال نقضی: عدم اخذ شرطیت طهارت در باب

ملاقی

بعضی گفته اند که قاعده طهارت یا قاعده حل مشکل را در جایی حل می کنند که ملاقات شده در ادله اولیه مشروط به طهارت و حل شده باشد. این ادله، ادله اشتراط و جزئیت را توسعه می دهند و در ما نحن فیه این صغری ندارند زیرا در محل کلام ما دلیلی نداریم که بگویید در ملاقات شده طهارت شرط است تا گفته شود اصل طهارت توسعه دهنده این شرط است. بله این مطلب مفروغ است که ملاقی با نجس، نجس می شود اما این که طهارت ملاقات کننده با ملاقات شده طاهر، پاک است، نداریم تا گفته شود که اصل طهارت حاکم بر ادله اولیه است. قاعده طهارت با این دلیل که ملاقات کننده با نجس نجس است ربطی ندارد. (هر چند که قاعده طهارت را در محل بحث داریم اما در ناحیه شرطیت و جزئیت جاری نیست. نقش آن فقط معذرت است) بنا بر این در محل کلام گفته می شود که وقتی که کشف خلاف شد ملاقات کننده نجس نجس است زنده می شود و تا الان حکم ظاهری داشته ایم.

۱.۱.۱.۲.۱ عدم کلیت جواب دوم

این جواب در مثل ملاقی عیبی ندارد که مشکل را حل می کند اما در موارد دیگر هنوز اشکال نقضی یا بر جاست. مثلاً شرط صحت وضو و غسل طهارت آب است. یا در تطهیر لباس نجس نیز طهارت آب شرط است یا در مورد نقض ملکیت نیز هنوز اشکال پابرجاست. زیرا استصحاب ملکیت شده است و ملکیت در موضوع ادله اولیه برای صحت بیع اخذ شده است.

۱.۱.۱.۳ قرار نگرفتن ضد اصل عملی در موضوع ادله اولیه

صاحب کتاب منتقى الاصول [۳] نسبت به ملاقی فرموده است که طهارت ملاقات شده شرطیت ندارد. (این کلام درست است زیرا کلام مرحوم آخوند در جایی است که اصل عملی منقح متعلق یا موضوع باشد و در ملاقی و ملاقات شده قاعده طهارت جاری است ولی منقح نیست چون در موضوع ملاقات شده طهارت اخذ نشده است.) علاوه بر این کلام مرحوم آخوند یک شرط دومی نیز دارد و آن این است که مجرای آن اصل در خطابات اولیه، موضوع حکم

مناقض آن حکم قرار نگرفته باشد. مثلاً در باب استصحاب ملکیت گفته می‌شود که ملکیت استصحاب می‌شود در این جا شرط اول را دارد که ملکیت در ادله اولیه اخذ شده است. اما ضد آن، ملک غیر و وقف در خطابات اولیه موضوع برای حکم خلاف این اصل قرار گرفته است. مثلاً گفته شده است که ملک غیر فروخته نشود. یا ملک وقفی فروخته نمی‌شود. اما ملک غیر وقفی صحیح است که فروخته شود. کلام مرحوم آخوند در جایی است که مجرای اصل در خطابات اولیه اخذ شده باشد و ضد آن اخذ نشده باشد. در جایی که ضد آن اخذ شده باشد مجزی نیست چون هر چند که استصحاب ملکیت در این جا می‌گوید بیع واجد شرط است و بیع صحیح است اما ادله اولیه می‌گوید ملک غیر است و بیع باطل است در این جا تعارض بین استصحاب ملکیت و ادله اولیه که می‌گوید بیع ملک غیر باطل است، رخ می‌دهد. لذا مرحوم آخوند در باب ملکیت چنین ادعایی ندارد بلکه در باب قاعده طهارت و حلیت این ادعا را دارد. بنا بر این نقض وضو و غسل و شستن متنجس نیز وارد نیست چون معلوم نیست که شارع گفته باشد با آب طاهر وضو بگیرید یا غسل کنید یا لباس متنجس را تطهیر کنید. شارع گفته است که با آب نجس وضو نگیرید و غسل نکنید و شارع مانعیت نجاست را بیان کرده باشد. این که در روایات نیز آمده است که آبی که سگ از آن خورده است وضو نگیرد اشاره به مانعیت نجاست است. نسبت به روغن نجس نیز گفته می‌شود که طهارت شرط صحت بیع نیست بلکه مفاد ادله این گونه است که نجس را نفروشید. در بحث استصحاب ملکیت نیز شرط دوم منتفی است زیرا حکم مناقض دارد.

۱.۱.۱.۳.۱. خلاف ارتکاز بودن مانعیت داشتن نجاست در غیر ملاقی

به نظر من این مطالب نقوض مرحوم نائینی را حل نمی‌کند. بلکه ما در بحث ملاقی قبول داریم که نقض بر مرحوم آخوند وارد نیست زیرا ارتکاز بر این است که ملاقی نجس نجس است. چون لغو است که شارع بگوید ملاقی طاهر طاهر است.

اما اولاً در مثال‌های دیگر (وضو و غسل و تطهیر) ظاهر خطابات این است که طهارت آب شرط است. مثلاً ﴿فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ﴾ [۴] و ﴿إِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَطَهَّرُوا﴾ [۵] چون می‌خواهد طهارت بیاورد انصراف به آب طاهر دارد. حتی در جایی که امام فرموده است از آبی که سگ خورده است وضو نگیرید نیز انصراف به شرطیت طهارت آب است. این که بخواهیم

مشکلی را حل کنیم و بگوییم نجاست مانعیت دارد عرفیت ندارد. فقهاء نیز این گونه گفته اند که یکی از شرایط صحت وضو طهارت آب است.

۱.۱.۱.۱.۳.۲ تالی فاسد داشتن کلام مرحوم آخوند در صورت مانعیت داشتن

نجاست

ثانیا بر فرض که مانعیت شرط مراد باشد اما باز هم تالی فاسد دارد. یک آبی قبلا نجس بوده است و الان شک می‌کنیم که پاک است یا نجس است استصحاب نجاست می‌شود و اتفاقا با آن لباسش را تطهیر کرد و بعد معلوم شد که پاک بوده است در این جا باید لباس نجس باشد در حالی که گفتنی نیست.

نتیجه: صغرویا ادعای مرحوم روحانی مقبول نیست البته در بحث ملاقی ادعای ایشان پذیرفتنی است.

۱.۱.۱.۱.۳.۳ عدم وجود دو حکم مناقض در ادله اولیه

این که مرحوم روحانی گفت در کلام مرحوم آخوند یک شرط دومی وجود دارد و آن این است که مجرای اصل عملی باید به گونه ای باشد که مناقض آن در ادله اولیه اخذ نشده باشد، در ما نحن فیه صغری ندارد. زیرا در باب ملکیت ما دو جعل نداریم. یعنی این گونه نیست که یک بار ملکیت موضوع برای احکام قرار گرفته باشد و یک بار دیگر عدم ملکیت برای احکام دیگر قرار گرفته باشد. اگر شارع گفته است ملک غیر را نفرشید ارشاد به این است که ملکیت شرط است. این گونه نیست که دو حکم جعل شده باشد. صرف این که بگوید برای صحت بیع ملکیت شرط است کفایت می‌کند که بیع ملک غیر صحیح نباشد.

نتیجه: ما قبول نداریم که دو حکم داشته باشیم یکی شرطیت ملکیت و دیگری مانعیت ملک غیر. پس از لحاظ صغروی در هیچ یک از نقوض، ادعای مرحوم روحانی درست نیست.

[۱] فوائد الاصول، محقق نایینی، ج ۱، ص ۲۵۱.

[۲] نهاية الاصول، تقریر بحث السید حسین بروجرودی، ج ۱، ص ۱۴۲.

[۳] منتقى الاصول، سید محمد حسینی روحانی، ج ۲، ص ۵۵.

[۴] مائده/سوره ۵، آیه ۶.



www.baharsound.ir, www.wikifeqh.ir, lib.eshia.ir